



دفاع سازمان های یهودی از تحقیر آمریکا

از: جیمز بتراس

قسمت دوم

به نوشته دکتر جیمز بتراس، منازعه اخیری که بر سر صلح در خاورمیانه بین آمریکا و اسرائیل بوجود آمده (منازعه‌ای که از اقدامات تحریک‌آمیز اسرائیل ناشی شده) مسائل اساسی دیگری را به عرصه ظهور می‌گذارد: در مرکز قدرت در آمریکا، گروهی بسیار متنفذ حضور دارند که سعی می‌کنند از مردم آمریکا برای انجام مقاصد یک قدرت خارجی بهره‌برند. در گذشته، میهن‌پرست‌ها چنین افرادی را «خائن» می‌نامیدند.

در ادامه گزارش حاضر، عکس‌العمل نتانیا‌هو در قبال سرزنش‌های وارده مورد بررسی قرار می‌گیرد: نتانیا‌هو در واکنش به انتقاد خصمگینانه واشنگتن که نوعی حرکت نمایشی بود، یک «توضیح» نصفه

و نیمه منتشر کرد که در آن چنین گفته شده بود: «مسئله به وجود آمده به برنامه احداث شهرک‌های جدید و عدول از توافقات انجام گرفته مربوط نبوده، بلکه از زمان‌بندی صدور «بیانیه» ناشی شد. این اتفاق «خطایی» بود که از سوی یکی از کارمندان رده پایین کابینه اسرائیل صورت پذیرفته است.» وی بیانیه نتانیا‌هو را زمانی علنی ساخته بود که جو بایدن (معاون رئیس‌جمهور آمریکا) التماس به نتانیا‌هو را به پایان رسانده و مشغول وارد آوردن فشار بر حکومت خودگردان فلسطینی بود تا آنها را بار دیگر بر سر میز مذاکرات تحت حمایت آمریکا بازگرداند.

با خروج بایدن از اسرائیل و بازگشت عباس (رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین) بر سر میز مذاکره، هرگونه

«بیانیه» مرتبط با «آغاز شهرک‌سازی‌ها» صرفاً مسأله‌ای مربوط به «خطمشی داخلی اسرائیل» و «ادامه فعالیت‌های گذشته» خواهد بود.

بتراس می‌نویسد: «نتانیا‌هو، که از تف انداختن به صورت جو بایدن، معاون رئیس‌جمهور آمریکا در تل‌آویو، شاد و خوشنود بود، در مقابل نور خیره‌کننده رسانه‌های جمعی در پایتخت آمریکا، بر صورت خندان اوپاما نیز سیلی نواخت. بنیامین نتانیا‌هو در کنفرانس سالیانه ایپک در واشنگتن برای بیش از هفت هزار یهودی یک سخنرانی تحریک‌آمیز ایراد کرد. وی تأیید نمود که اسرائیل قصد دارد در منطقه اشغالی و عربی بیت‌المقدس شرقی شهرک‌هایی یهودی‌نشین احداث کند. او بار دیگر ادعای غیر قانونی رژیم

اسرائیل و ستون پنجم داخلی آن می‌جنگند، بسیار با اهمیت تر است.»

رهبران اسرائیل با خرابکاری در پروژه صلح دولت آمریکا نه تنها وجهه سیاسی داخلی خود را بهبود بخشیدند بلکه توانستند میلیون‌ها دلار از جیب مالیات‌دهندگان آمریکایی بیرون بکشند. تحقیر دولت اوپاما، تلاش‌های پنتاگون و وزارت خارجه را برای کسب دوباره نفوذ و اعتبار در میان رژیم‌های محافظه‌کار عرب، ملت‌های مسلمان غیر عرب و صدها میلیون مسلمان سراسر جهان، با شکست مواجه ساخت. تحقیر دولت آمریکا توسط نتانیاهو باعث شد کار و امنیت تجار و مقامات آمریکایی حاضر در خاورمیانه به خطر افتد و روابط این کشور با شرکای عرب و مسلمان نیز دچار عقب‌رفت شود.»

پتراس در ادامه بررسی صدمه‌هایی که از جانب اسرائیل متوجه منافع آمریکا می‌شود، می‌نویسد: «تلاش‌های آمریکا برای کسب حمایت از جنگ‌هایش در خاورمیانه، آسیای جنوبی و همچنین برنامه‌های تبلیغاتی این کشور برای اجتناب از پیوستن جوانان به مقاومت ضدآمریکایی در عراق، افغانستان و سومالی به شکست خواهد انجامید. تصویر نمادین معاون رئیس‌جمهور که طی یک دیدار رسمی آب دهان اسرائیلی را از صورت خود پاک می‌کرد هزاران جوان مسلمان را تشویق خواهد کرد تا در مقابل اشغال آمریکا که به نظر آنها در راستای دستیابی به اهداف اسرائیل است، ایستادگی کنند. اگر یک رژیم کوچکی چون اسرائیل که اهمیت اقتصادی چندانی نیز ندارد می‌تواند ابرقدرت را به مبارزه بطلبد چرا آنها نتوانند چنین کاری انجام دهند؟ منطق این مسأله خیلی ساده است: هر چقدر اسرائیل زمین‌های بیشتری تصرف کند، رژیم اوپاما مطیع‌تر شده، دشمنی مردم



به تشویق بنیامین نتانیاهو پرداختند. نخست‌وزیری که با رد ابتکارات آمریکا برای صلح، تلاش این کشور را برای حفظ جان سربازانش در منطقه عقیم گذارده بود. دعوت هیلاری کلینتون برای «برقراری صلح بر اساس «۲ دولت برای ۲ ملت» با سکوت مرگباری مواجه شد.

نمایش عوام‌فریبانه نتانیاهو برای نشان دادن قدرت اسرائیل در برابر کنگره و رسانه‌های جمعی آمریکا و تمایل وی به تحقیر رهبران سیاسی آمریکا در پایتخت کشور، این تصور را که مردم آمریکا در خط‌مشی‌های ملی کشور خود دارای رأی هستند، به استهزاء گرفته و نشان داده که فرماندهی عالی نظامی آمریکا در امور جنگ و صلح منطقه خاورمیانه تحت امر آنها قرار دارد. در نظر پلوسی و کنگره، هزاران شکلی (واحد پول اسرائیل) که از جانب اهالی اییک برای تأمین مخارج تبلیغاتی آنها در انتخابات پرداخت می‌شود از جان هزاران سرباز آمریکایی که به خاطر حفظ منافع

اسرائیل را تکرار کرده و اعلام نمود که بیت المقدس پایتخت جدایی‌ناپذیر یهودی‌ها است.

وی سپس علی‌رغم توهین‌هایی که به دولت اوپاما کرده بود ملاقاتی دو ساعته با اوپاما داشت. و سپس مستقیماً به کنگره آمریکا رفت و در آن جا «حمایت بی‌قید و شرط» نانس پلوسی (رهبر اکثریت کنگره) را در مورد گسترش اسرائیل به دست آورد. ارتش اسرائیل نیز به منظور جشن گرفتن برای این پیروزی‌ها و همچنین ارائه تعریف خودش از «صلح»، چهار فلسطینی غیرنظامی را هدف قرار داد. دو نفر از این افراد در جستجوی کار بودند و دو نفر دیگر نیز نوجوانانی بودند که در اعتراضات خیابانی شرکت کرده بودند.»

پتراس در ادامه بررسی وقایع کنفرانس اییک در واشنگتن می‌نویسد: «وفاداری متعصبین و افراطی‌های صهیونیست به اربابان اسرائیلی زمانی آشکارتر شد که به روی پاهایشان جستند و با کف زدن

مسلمان با آمریکایی‌ها بیشتر و عمیق‌تر شده، جنبش‌های مقاومت مسلحانه افزایش یافته و تعداد آمریکایی‌هایی که در جنگ‌های برافروخته شده توسط صهیونیست‌ها کشته می‌شوند رو به فزونی خواهد گذارد. تلفات جانی سربازان آمریکایی در خاورمیانه هیچ‌گاه در برنامه‌های تل‌آویو به حساب نیامده و یا فعالیت‌های ستون پنجم اسرائیل را در آمریکا تحت تأثیر قرار نداده است. اما این تلفات بر زندگی میلیون‌ها خانوار آمریکایی و در حدود بیش از دویست میلیون مالیات‌دهنده این کشور تأثیر عمیقی برجای نهاده است. حتی یکی از ژنرال‌های آمریکایی این جرأت را در خود یافته که اعلام کند اشغال استعماری سرزمین‌های فلسطینی توسط اسرائیل باعث تشدید وضعیت جنگی شده است، جنگی که صدها هزار سرباز آمریکایی را در خود غوطه‌ور ساخته و توان رزمی نیروهای نظامی این کشور را برای درگیری همزمان در چند جا برای ارتقاء منافع امپریالیستی آمریکا شدیداً به تحلیل برده است.

تیم افسران ارشد تحت هدایت ژنرال پتراوس (فرمانده مقر فرماندهی مرکزی آمریکا) در گزارشی که در ۱۶ ژانویه ۲۰۱۰ به فرماندهی ستاد مشترک ارسال کرد «سازش‌ناپذیری اسرائیلی‌ها» را به عنوان «عاملی مخرب برای موقعیت آمریکا و زندگی سربازان آمریکایی حاضر در منطقه (خاورمیانه) معرفی نمودند.» این گزارش با واکنش شدید سازمان‌های صهیونیستی مواجه شد و ژنرال پتراوس نیز آماج حملات آنها قرار گرفت. آدمیرال مولن (Mullen)، فرمانده ستاد مشترک ارتش آمریکا نیز مورد سرزنش قرار گرفت. این اولین باری نیست که ملاحظات امنیتی و نظامی آمریکا قربانی برنامه‌های اسرائیل می‌شود. دو سال قبل در سال ۲۰۰۷، ۱۶ سازمان اطلاعاتی نظامی

و غیر نظامی گزارشی با عنوان «برآورد اطلاعات ملی» (National Intelligence Estimate) تهیه کردند که در آن تأیید شده بود ایران به دنبال دستیابی به سلاح هسته‌ای نبوده و خطری جدی از جانب این کشور متوجه آمریکا نیست. این در حالی است که اطلاعات تحریف شده اسرائیلی‌ها خلاف این امر را ادعا می‌نمود. در آن زمان نیز صهیونیست‌ها این گزارش را تقبیح کرده و توانستند آن را دفن کنند.

هم‌اکنون نیز همین سازمان‌های قدرتمند صهیونیستی، دولت اوباما را به خاطر انتقاد از نتانیاهو تحت فشار شدید قرار داده‌اند. در

خواهد یافت تا روزی این شهر نیز به مانند تل‌آویو به نظر آید.»

به گزارش پرفسور پتراوس فشارهای وارده به ژنرال پتراوس باعث شد وی از موضع قبلی خود عدول نماید: «ژنرال دیوید پتراوس، که افسران ارشد در گزارش به آدمیرال مولین (فرمانده ستاد مشترک) از نگرانی‌های وی در مورد تخریب منافع نظامی آمریکا توسط سیاست‌های اسرائیل صحبت کرده بودند، بدین کنفرانس دعوت نشده بود. فرمانده مقر فرماندهی مرکزی نیروهای آمریکایی با ژنرال گابی اشکنازی (Gabi Ashkenazi)، هم‌تای اسرائیلی



خود، تماس گرفت تا منکر انتقادش از سیاست‌های اسرائیل شود و حمایت بی‌قید شرط خود را از برنامه‌های اسرائیل، حتی هنگامی که برای سربازان آمریکایی خطرآفرین می‌شوند، اعلام دارد. ژنرال پتراوس در ژانویه به درستی اعلام کرده بود که سازش‌ناپذیری اسرائیل به منافع و عملیات‌های آمریکا در خاورمیانه آسیب زده، اعراب را بسیار خشمگین ساخته و در نهایت باعث افزایش حملات به سربازان آمریکایی شده است. اما همین ژنرال در ماه مارس، با شتاب هرچه تمام گزارش خود

حدود ۳۰۰ نفر از اعضای کنگره آمریکا در نامه‌ای بی‌سابقه از اسرائیل در مقابل دولت خودشان حمایت کرده و تعهد خود را به «پیوند ناگسستنی بین آمریکا و اسرائیل» اعلام نمودند. در مارس ۲۰۱۰ صدها نفر از نمایندگان کنگره و مقامات رسمی به کنفرانس ایپک پیوستند تا به تحسین و تمجید از نتانیاهو بپردازند و شاهد باشند که چگونه هیلاری کلینتون (وزیر امور خارجه آمریکا) به رهبر رژیم استعمارگر درود می‌فرستد؛ رهبری که اعلام کرده «ساخت و ساز در تمام مناطق بیت‌المقدس ادامه

را به ستاد مشترک ارتش آمریکا بازپس گرفت. در تاریخ نظامی آمریکا نمی‌توان تصویری خانمانه‌تر و جبون‌تر از این ژنرال آمریکایی مدال‌دار یافت که در مقابل لابی صهیونیستی بر خاک افتاده است.

سنت «برتری غیرنظامی‌ها» در آمریکا تضمین می‌کند که نیروهای نظامی هیچ گاه با مسأله کنترل کنگره و کاخ سفید توسط صهیونیست‌ها مواجهه نخواهند کرد. گزارش پتراوس به زودی به بوته فراموشی سپرده خواهد شد. انگار این گزارش توسط خود وی نیز نمونه‌ای آشکار از ماهیت فرصت‌طلبانه فرماندهی عالی نظامی آمریکاست. زمانی که رهبران غیرنظامی نشان می‌دهند چگونه سرکوب ۵ میلیون فلسطینی توسط اسرائیل باعث به خطر افتادن جان سربازان آمریکایی و همچنین منافع این کشور در خاورمیانه می‌شود، سازمان‌های صهیونیستی فوراً اذهان را از اسرائیل منحرف کرده و آمریکا را به علت برانگیختن جنبش‌های اسلامی، همچنین دشمنی و حملات اعراب مورد سرزنش قرار می‌دهند. رهبران نظامی، تنورسین‌های استراتژیکی و مقامات اطلاعاتی آمریکا براساس تجربیات چندین دهه‌ای که دارند، تأیید می‌کنند که خطمشی اسرائیل در قبال مردم فلسطین عامل اساسی بروز مناقشه در منطقه است اما ژنرال‌های پشت میز نشین این گونه گزارش‌ها در مورد ارتباط مستقیم سیاست‌های اسرائیل با حمله به سربازان آمریکایی را تنها «یک نقطه‌نظر دیگر» می‌خوانند. در این حین سازمان‌های صهیونیستی نیز عاملین خود را در کنگره و کاخ سفید و می‌دارند که از نیروهای نظامی خودشان اعلان برائت کنند. سیاست‌های استعمارگرایانه اسرائیل، اخراج تعداد زیادی از فلسطینی‌ها و تصرف سرزمین‌های آنها برای احداث شهرک‌های یهودی‌نشین، باعث به تحلیل رفتن اقتدار آمریکا در

سیاست‌های استعمارگرایانه اسرائیل، اخراج تعداد زیادی از فلسطینی‌ها و تصرف سرزمین‌های آنها برای احداث شهرک‌های یهودی‌نشین، باعث به تحلیل رفتن اقتدار آمریکا در خاورمیانه و در بین متحدین خود شده است.

خاورمیانه و در بین متحدین خود شده است. تمایل بی‌پروایانه و توانایی اسرائیل برای ترساندن باراک اوباما بسیاری از مباحث رایج در میان مدافعین و نویسندگان لیبرال صهیونیست به مانند نوام چامسکی را بی‌اعتبار می‌سازد. مدافعی که ادعا می‌کنند واشنگتن امپریالیستی «فرماندهی» سیاست‌های غربی را در خاورمیانه بر عهده داشته و به نیابت از منافع گسترده اروپایی-آمریکایی فعالیت می‌کند.

دکتر پتراس در ادامه بررسی آسیب‌های ناشی از اقدامات اسرائیل به منافع آمریکا می‌افزاید: «از طرف دیگر شدت عمل اسرائیل باعث صدمه دیدن تلاش‌های سرمایه‌گذاران خارجی در جلب معاملات نفتی برای شرکت‌های چند ملیتی شده است. کشورهای نفت خیز عرب، که خود را در معرض تهدید یک قدرت منطقه‌ای نظامی به مانند اسرائیل می‌بینند تمایلی برای همکاری با آمریکا در خود احساس نمی‌کنند، علی‌الخصوص با توجه بدین امر که ابرقدرت توانایی تحدید رفتارهای افراطی و غیرعادی اسرائیل را ندارد.

در نظر اسرائیل و حامیان ستون پنجمی آن هیچ‌کدام از علائق استراتژیک آمریکا دارای اهمیتی همسان با فتوحات استعماری رژیم یهودی و نمایش قدرت منطقه‌ای این رژیم، نیستند. منافع مردم آمریکا هنگامی که در تضاد با اهداف استعماری و

تجاوزکارانه اسرائیلی قرار می‌گیرد، دیگر مورد ملاحظه قرار نمی‌گیرد. سازمان‌های بزرگ صهیونیستی هیچ گاه بدین امر توجهی نکرده و حتی آن را مورد بحث نیز قرار نداده‌اند که آمریکایی‌ها بر اثر پیروی از سیاست‌های قدرت نظامی محور اسرائیل در منطقه خاورمیانه، چه آسیب‌های فراوانی دیده‌اند. اهداف اسرائیل که شامل اشغال زمین و اخراج فلسطینی‌ها از خانه و کاشانه خود است در تضاد با سنن پسااستعماری مردم آمریکا قرار گرفته و آنها را دچار خصومتی شدید در آن سوی آب‌ها می‌کند. تنها ذینفع‌های توسعه‌طلبی استعماری اسرائیل، گروه کوچک اما قدرتمند سازمان‌های صهیونیست یهودی آمریکایی‌ها هستند که هویت یکسانی با رژیم اسرائیل داشته و بدان وفادار هستند.

در حالی که اسرائیل بر اعمال قدرت خود در منطقه خاورمیانه ادامه می‌دهد، تجاوزات و تهدیدات نظامی و یک‌جانبه این رژیم علیه کشورهای همسایه به مانند فلسطین، سوریه، لبنان، ایران و همچنین آدم‌کشی‌های مخفیانه و فرا مرزی این کشور که مورد دبی آخرین نمونه آن بود، از اهمیتی اساسی برای جنگ‌طلبان اسرائیل برخوردار است. خودبینی و اعتماد به نفس صهیونیست‌های نظامی‌گرای اسرائیل کاملاً با خطمشی آنها در تجاوز و آدم‌کشی در ارتباط است. از طرف دیگر، اعمال قدرت اسرائیل باعث شده تلاش‌های آمریکا برای افزایش دایره نفوذ از طریق دیپلماسی و مذاکره در مورد توافقات سرمایه‌گذاری، تجارت و فروش تسلیحات نظامی، آسیب ببینند.

این امر که سیاست‌های اسرائیل باعث از دست رفتن میلیون‌ها شغل برای کارگران آمریکایی شده در نظر رژیم یهودی و حامیان ثروتمند اسرائیل در آمریکا، هیچ اهمیتی ندارد.»

ادامه دارد